

کتاب یوئیل و کلیسای ادونتیست روز هفتم لاودیکیه‌ای - شماره ۴ و شش

Jeff Pippenger

2026-02-12

شماره ۴ و شش

قیصریه فیلیپی تا قیصریه ماری تیما نمایانگر دوره‌ای از ساعت سوم تا ساعت نهم است که در ساعت ششم تقسیم می‌شود. نقطه تقسیم مسیر قیصریه فیلیپی تا قیصریه ماری تیما، کوه تجلی بود. کوه تجلی دو خط دیگر را با نشان راه سه‌گامی هم‌راستا می‌کند که پنج روز پیش از قانون یکشنبه پنطیکاستی قرار دارد.

بر کوه، خدا پدر بار دوم سخن گفت. نخستین بار که سخن گفت، در هنگام تعمید مسیح بود؛ واپسین بار، درست پیش از صلیب.

اکنون جان من مضطرب است؛ و چه بگویم؟ ای پدر، مرا از این ساعت نجات ده؛ لیکن برای همین سبب به این ساعت آمده‌ام. ای پدر، نام خود را جلال ده. آنگاه آوازی از آسمان آمد که می‌گفت: «آن را جلال داده‌ام و باز آن را جلال خواهم داد.» پس مردم که حاضر بودند و آن را شنیدند، گفتند که رعد شد؛ و دیگران گفتند: فرشته‌ای با او سخن گفت. یوحنا ۱۲:۲۷-۲۹

خدا نام خویش را جلال می‌بخشد آنگاه که بر یکصد و چهل و چهار هزار تن مهر می‌نهد و نام خویش را بر ایشان می‌نگارد.

آن که پیروز شود، او را ستونی در هیكل خدای من خواهم ساخت، و دیگر هرگز از آن بیرون نخواهد رفت؛ و نام خدای من را بر او خواهم نوشت، و نام شهر خدای من را، یعنی اورشلیم جدید که از آسمان از نزد خدای من فرود می‌آید؛ و نام جدید خود را بر او خواهم نوشت. آن که گوش دارد، بشنود آنچه روح به کلیساها می‌گوید. مکاشفه ۳:۱۲، ۱۳.

بر فراز کوه تجلی، تنها پطرس، یعقوب و یوحنا از شاگردان حاضر بودند، همان‌گونه که در واقعه زنده کردن دختر یایروس نیز چنین بود و نیز بار دیگر در جتسیمانی. جتسیمانی—همچون آن‌گاه که پدر در یوحنا، باب دوازدهم، سخن گفت—درست پیش از صلیب واقع شد. «جتسیمانی» به معنای «فشارگاه روغن» است و بر آزمون روغن دوشیزگان دلالت دارد. جتسیمانی همان «بحران»ی است که جان را «رو در رو با مرگ» می‌آورد، و دوشیزگان دانا آزمون را می‌گذرانند، زیرا در آزمون هیكل دوم، آنان رو در رو با حیات شدند، چنان‌که عیسی به مدت سی روز «رو در رو» تعلیم داد.

نخستین بار که پدر سخن گفت، در تعمید مسیح بود، و نخستین بار که او منحصراً پطرس و یعقوب و یوحنا را با خود برد، هنگامی بود که دختر دوازده‌ساله یایروس از مرگ برخیزانیده شد. رستاخیز آن دوشیزه دوازده‌ساله با تعمید مسیح هم‌راستا است، که نماد قوت رستاخیز است. رستاخیز دختر یایروس با تعمید مسیح و قیصریه فیلیپی هم‌راستا است. جتسیمانی و پریشانی مسیح، آنگاه که پدر اندکی پیش از صلیب سخن گفت، با قیصریه ماری تیما هم‌راستا هستند.

خط بر خط، پطرس نمایانگر یکصد و چهل و چهار هزار نفری است که در قیصریه فیلیپی مهر می‌خورند، زمانی که نام شمعون باریونا به پطرس تغییر می‌کند. چون در پانویم، که همان قیصریه فیلیپی است، مهر شد، پطرس به ساعت ششم کوه می‌رود، آنجا که چون علمی برافراشته می‌شود و راه را ادامه می‌دهد تا به دعوت کرنیلیوس در قیصریه ماری تیما پاسخ دهد. در قیصریه فیلیپی،

پطرس گردهمایی اردوگاهی اکستر را با مهر خدا و با پیام فریاد نیمه شب برای اعلان، ترک می‌کند. پیام اسلام، چنان که به وسیله عید ابواق نمایانده شده است، پطرس را تا قیصریه کنار دریا پیش می‌برد. پیام اسلام، پطرس را در منظر جهان برافراشته می‌کند، زیرا پطرس پیش از عید ابواق، فرارسیدن نبوی اسلام را پیش‌گویی کرده است.

اینک، ایلیا نبی را پیش از آمدن روز بزرگ و هولناک خداوند نزد شما خواهیم فرستاد: و او دل پدران را به سوی فرزندان، و دل فرزندان را به سوی پدرانشان باز خواهد گرداند، مبادا بیایم و زمین را به لعنت بزنم. ملاکی ۴:۵، ۶.

خط بر خط، پیام ایلیا پیامی است که بر مبنای همراستا ساختن پدران با فرزندانشان استوار است. ایلیا همان فادر میلر بود که فرزندان خود را تمثیل می‌نمود. یکصد و چهل و چهار هزار، فرزندان ویلیام میلرند، و بازگردانیدن دل میلر به سوی فرزندانش عبارت است از همراستاسازی تاریخ میلری با تاریخ ایلیا، و همچنین یحیی تعمیددهنده با فرستاده‌ای که با آن یکصد و چهل و چهار هزار مرتبط است. یکی از عناصر همراستاسازی این چهار خط آن است که در هر یک از دوره‌های آزمونی ایلیا، یحیی و میلر، تنها پیام حقیقت حاضر همان پیامی بود که از طریق فرستاده می‌آمد.

و ایلیای تشبی که از ساکنان جلعاد بود، به آخاب گفت: به حیات یهوه، خدای اسرائیل، که در حضور او ایستاده‌ام، در این سال‌ها نه شب‌نم خواهد بود و نه باران، مگر به کلام من. اول پادشاهان ۱۷:۱

خواهر وایت به صراحت می‌گوید که آنان که پیام یوحنا را - که عیسی او را ایلیا معرفی کرد - نپذیرفتند، از تعالیم عیسی بهره‌مند نشدند؛ و نیز کسانی که پیام میلر را، که در قالب پیام فرشته نخستین بازنمایی شده است، رد کردند، نتوانستند از پیام فرشته دوم بهره‌مند شوند. به همراه اعلام ایلیا مبنی بر اینکه باران تنها به فرمان او خواهد آمد، آزمون نهایی‌ای نیز بود که فرمان می‌داد میان پیام ایلیا یا پیام بعل یکی را برگزینند. نماد نبوی «تا کی» رویارویی ایلیا در کوه کرمل را با قانون یکشنبه همراستا می‌سازد.

پس آخاب نزد همه بنی‌اسرائیل فرستاد و پیامبران را نزد کوه کرمل گرد آورد. و ایلیا نزد تمامی قوم آمد و گفت: تا به کی میان دو اندیشه می‌لنگید؟ اگر خداوند خداست، از او پیروی کنید؛ و اگر بعل، از او پیروی نمایید. و قوم در پاسخ او سخنی نگفتند. آنگاه ایلیا به قوم گفت: من، تنها من، نبی خداوند باقی مانده‌ام؛ اما پیامبران بعل چهارصد و پنجاه مردند. پس اکنون برای ما دو گاو نر بدهند؛ و ایشان یکی از آن‌ها را برای خود برگزینند و آن را قطعه‌قطعه کرده، بر هیزم بگذارند و آتش زیر آن نهند؛ و من نیز آن گاو نر دیگر را آماده کرده، بر هیزم می‌گذارم و آتش زیر آن نمی‌نهم. و شما به نام خدایان خود بخوانید و من به نام خداوند خواهم خواند؛ و خدایی که به وسیله آتش پاسخ دهد، او خدا باشد. و تمامی قوم پاسخ داده گفتند: نیکو گفتی. اول پادشاهان ۲۴:۱۸-۲۰.

آزمون کرمل بر گزینش میان دو پیام بود. آزمایشی میان نبوت راستین و کاذب، و نیز میان فرستاده راستین، یعنی ایلیا، در برابر پیامبرانی که بر سر سفره ایزابل می‌نشستند. سخن بر سر فرستاده و پیام بود. در سال ۱۸۴۴، کرمل تکرار شد، زیرا خداوند آزمونی پدید آورد که به واسطه آن، میلر به‌عنوان نبی راستین مکشوف گشت و پیام میلر همچون شب‌نم و باران شناخته شد. تمایز میان نبی راستین و پیام راستین در برابر نبی کاذب و پیام کاذب، در اجتماع اردوگاهی اکستر، به وسیله خیمه اکستر و خیمه گروه واترتاون نمایانده شد؛ دو خیمه که راستین را در تقابل با کاذب نمایندگی می‌کردند. همان تمایز پدیدآمده در کرمل و در تاریخ ۱۸۴۴، در قیصریه فیلیپی شناسایی می‌شود، آنگاه که پطرس مهر می‌شود و چون علمای بر فراز کوه برافراشته می‌گردد. او برافراشته می‌شود، زیرا ادعا کرده بود که پیام او یگانه پیام راستین باران پسین است. او آنگاه برافراشته شد که پیش‌گویی‌اش تحقق یافت.

عید ابواق، سومین آزمون و سنگ محک فصل پنجاهه است؛ و پیش از این سنگ محک، پطرس تصریح می‌کند که اسلام باید از بند گشوده شود تا نشانه‌ای بر آغاز اعلان «فریاد نیمه‌شب» باشد. تحقق نبوت بود که میان پیروان میلر و پروتستان‌ها تمایز نهاد؛ پروتستان‌هایی که نماینده قوم عهد پیشین‌اند که از ایشان در گذشته می‌شود. چون تمایز میان حق و باطل آشکار شد، ایلیا شخصاً انبیای کاذب را به قتل رسانید. این تمایز در عید ابواق برقرار می‌شود، آنگاه که پیشگویی‌ای درباره اسلام تحقق می‌یابد.

فریاد نیمه‌شب در تاریخ جنبش میلریتی پیشگویی‌ای بود که اصلاح شد و سپس تحقق یافت. این پیشگویی در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تحقق یافت، در حالی که درک اولیه میلر از فریاد نیمه‌شب، سال ۱۸۴۳ بود. ساموئل اسنو نمایانگر اصلاح آن پیام است و پیام او به عنوان پیام «فریاد نیمه‌شب حقیقی» شناخته شد.

سال ۱۸۴۴ نمونه‌ای از تمایز میان پیام میلر و پیام پروتستان‌ها بود. در فرایند آزمون، پروتستان‌ها به دست میلر کشته شدند و سپس به پروتستان‌تیسیم مرتد، دختران روم، کاهنان ایزابیل مبدل شدند. این تمایز با پذیرش یا رد پیام نبوی متجلی شد. در مورد یوحنا و میلر، پیام نبوی پیام کاذب قوم عهد پیشین را که از آنان در گذشته می‌شد، افشا کرد. پیام ایلیا مدعی بود که جز به کلام او بارانی نخواهد بود، و پس از سه سال و نیم، آزمون آن ادعا می‌بایست آشکار گردد.

و واقع شد که چون آخاب ایلیا را دید، آخاب بدو گفت: آیا تویی که اسرائیل را به آشوب می‌افکنی؟ و او پاسخ داد: من اسرائیل را به آشوب نیفکنده‌ام، بلکه تو و خاندان پدری‌ات، زیرا شما فرامین خداوند را ترک کرده‌اید و تو از بعلم پیروی کرده‌ای. پس اکنون بفرست و تمامی اسرائیل را نزد من بر کوه کرمل گرد آور، و نیز انبیای بعل را، چهارصد و پنجاه تن، و انبیای اشیره را، چهارصد تن، آنان که بر خوان ایزابیل می‌خورند. اول پادشاهان 18:17-19

تمایز میان باطل و حق، خواه درباره پیام‌آور باشد و خواه درباره پیام، در فرایند آزمایشی صورت گرفت که در آن اتهام‌هایی علیه هر دو، هم پیام و هم پیام‌آور، مطرح شد. ایلیا کسی بود که به آشفتن اسرائیل متهم گردید، زیرا پیام او باران را بازداشته بود. اگر در اسرائیل همچنان باران می‌بارید، هیچ مسئله‌ای درباره ایلیا مطرح نمی‌شد. این مسئله مبتنی بر پیشگویی ایلیا و تحقق آن در طول سه سال و نیم بود.

آنگاه که پطرس در سنگ محک قیصریه فیلیپی است—که همان عید شیپورهاست و نیز جایی که الاغ از بند گشوده می‌شود—آغاز پیام فریاد نیمه‌شب مشخص می‌گردد. پطرس، همچون ایلیا، به تازگی شاهد تصدیق پیشگویی خویش بوده است، و تمایز میان راستین و کاذب برای همگان آشکار گردیده است. تصدیق آن پیشگویی به وسیله عید شیپورها نمایانده می‌شود، که خود سنگ محک است. آن پیشگویی به وسیله هر دو سال ۱۸۴۰ و ۱۸۴۴ ممثل گردید؛ جایی که پیشگویی‌ای تصحیح و سپس محقق می‌شود. پیشگویی تصحیح‌شده یوشیا لیچ در یازدهم اوت ۱۸۴۰ به فرشته نخستین قدرت بخشید، و پیشگویی سال ۱۸۴۳ از سوی میلر به وسیله اسنو تصحیح شد.

"در سال ۱۸۴۰ تحقق چشمگیر دیگری از پیشگویی، علاقه گسترده‌ای را برانگیخت. دو سال پیش از آن، جوسایا لیچ، یکی از کشیشان برجسته مبلغ ظهور دوم، شرحی بر مکاشفه باب ۹ منتشر کرد و در آن سقوط امپراتوری عثمانی را پیش‌بینی نمود. بر اساس محاسبات او، این قدرت قرار بود ... در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ سرنگون شود، زمانی که انتظار می‌رود قدرت عثمانی در قسطنطنیه درهم شکسته شود. و این، به باور من، ثابت خواهد شد که چنین است."

دقیقاً در زمان تعیین‌شده، ترکیه از طریق سفیرانش حمایت قدرت‌های متحد اروپا را پذیرفت و بدین‌سان خود را زیر کنترل کشورهای مسیحی قرار داد. این رویداد پیشگویی را به‌طور دقیق تحقق بخشید. هنگامی که این امر آشکار شد، انبوهی از مردم به درستی اصول تفسیر نبوتی که

میلر و همکارانش برگزیده بودند قانع شدند، و جنبش ظهور نیروی محرکه‌ای شگفت‌انگیز یافت. مردانی دانشمند و صاحب‌منصب با میلر متحد شدند، هم در موعظه و هم در انتشار دیدگاه‌های او، و از ۱۸۴۰ تا ۱۸۴۴ کار به سرعت گسترش یافت. مناقشه بزرگ، ۳۳۴، ۳۳۵.

پیشگویی لیچ دربارهٔ اسلام بود و پیشگویی اسنو دربارهٔ در بسته. هنگامی که پیشگویی لیچ تحقق یافت، روش‌شناسی‌ای که پیام را تثبیت کرد پذیرفته شد و آنان که پیام را پذیرفتند با پیام‌آور «متحد» شدند. هم پیام و هم پیام‌آور در تحقق آن پیشگویی مورد شناسایی قرار گرفتند. پیشگویی لیچ دربارهٔ اسلام بود و پیشگویی اسنو دربارهٔ در بسته.

دیدم قوم خدا در شادی انتظار چشم‌به‌راه خداوند خویش بودند. اما خدا مقرر کرده بود که آنان را بیازماید. دست او خطایی را در محاسبه دوره‌های نبوی پوشیده داشت. کسانی که در پی خداوند خود بودند این خطا را کشف نکردند، و عالم‌ترین مردانی که با تعیین زمان مخالفت می‌کردند نیز نتوانستند آن را ببینند. خدا مقرر کرده بود که قومش با ناکامی روبه‌رو شوند. زمان گذشت، و آنان که با انتظار شادمانه چشم‌به‌راه نجات‌دهنده خود بودند، اندوهگین و دل‌سرد شدند، در حالی که کسانی که ظهور عیسی را دوست نمی‌داشتند، بلکه از سر ترس پیام را پذیرفته بودند، خشنود شدند که او در زمان انتظار نیامد. اظهار ایشان نه بر دل اثر نهاده بود و نه زندگی را پاک ساخته بود. گذشت آن زمان به خوبی حساب شده بود تا چنین دل‌هایی را آشکار سازد. آنان نخستین کسانی بودند که روی برتافتند و اندوهگینان ناکام را که واقعاً ظهور نجات‌دهنده خود را دوست می‌داشتند مسخره کردند. من حکمت خدا را در آزمودن قوم خویش و دادن آزمایشی موشکافانه دیدم تا آشکار شود چه کسانی در ساعت امتحان عقب می‌نشینند و باز می‌گردند.

عیسی و تمامی سپاه آسمانی با همدردی و محبت به کسانی می‌نگریستند که با انتظاری شیرین، آرزوی دیدار آن‌که جان‌هایشان دوستش می‌داشت را در دل داشتند. فرشتگان در اطرافشان در پرواز بودند تا در ساعت آزمایش ایشان را پشتیبانی کنند. آنان که از پذیرفتن پیام آسمانی غفلت ورزیده بودند، در تاریکی رها شدند، و خشم خدا بر ایشان افروخته شد، زیرا نخواستند نوری را که او از آسمان برایشان فرستاده بود بپذیرند. اما آن وفاداران نومید که نمی‌توانستند بفهمند چرا خداوندشان نیامد، در تاریکی رها نشدند. دوباره رهنمون شدند تا به کتاب مقدس خود رجوع کنند و ادوار نبوی را تفتیش کنند. دست خدا از ارقام برداشته شد و اشتباه آشکار گردید. دیدند که دوره‌های نبوی تا سال ۱۸۴۴ امتداد می‌یابد، و همان ادله‌ای که برای نشان دادن پایان دوره‌های نبوی در ۱۸۴۳ عرضه کرده بودند، ثابت می‌کرد که آنها در ۱۸۴۴ پایان می‌پذیرند. نوری از کلام خدا بر موضعشان تابید و آنان زمان درنگ را کشف کردند - «اگرچه [رویا] تأخیر کند، برایش منتظر بمان.» در محبت‌شان به آمدن فوری مسیح، از تأخیر رویا غفلت کرده بودند؛ تأخیری که مقرر بود منتظران راستین را آشکار سازد. بار دیگر موعدی در اختیار داشتند. با این حال دیدم که بسیاری از ایشان نتوانستند بر نومیدی شدید خود فائق آیند تا به همان اندازه غیرت و نیرو دست یابند که مشخصه ایمانشان در سال ۱۸۴۳ بود.

شیطان و فرشتگانش بر آنان پیروز شدند، و کسانی که پیام را نمی‌پذیرفتند به خود می‌بالیدند که با قضاوتی دوران‌دیشانه و خردمندانه آنچه خود «فریب» می‌نامیدند را نپذیرفته‌اند. آنان نمی‌دانستند که رهنمود خدا را به زیان خویش رد می‌کنند و در همسویی با شیطان و فرشتگانش می‌کوشند قوم خدا را، که به آن پیام آسمانی در زندگی خود عمل می‌کردند، سردرگم کنند.

ایمانداران این پیام در کلیساها مورد ستم قرار گرفتند. مدتی ترس مانع می‌شد کسانی که پیام را نمی‌پذیرفتند احساسات دل خود را بروز دهند؛ اما گذشت زمان احساسات واقعی آنان را آشکار کرد. آنان می‌خواستند شهادتی را که منتظران خود را ناگزیر از ادای آن می‌دانستند—مینی بر این‌که دوره‌های نبوی تا سال ۱۸۴۴ امتداد می‌یابد—خاموش کنند. ایمانداران با وضوح خطای خود را توضیح دادند و دلایل انتظارشان برای آمدن خداوندشان در سال ۱۸۴۴ را بیان کردند.

مخالفتشان هیچ استدلالی در برابر دلایل نیرومند عرضه شده نتوانستند بیاورند. با این حال، خشم کلیساها برافروخته شد؛ آنان مصمم بودند به شواهد گوش ندهند و آن شهادت را از کلیساها بیرون برانند تا دیگران نتوانند آن را بشنوند. کسانی که جرأت نمی‌کردند نوری را که خدا به آنان داده بود از دیگران دریغ کنند، از کلیساها بیرون رانده شدند؛ اما عیسی با آنان بود و آنان در نور چهره او شادمان بودند. آنان برای دریافت پیام فرشته دوم آماده شدند. نوشته‌های اولیه، ۲۳۵-۲۳۷.

پطرس نمایانگر یکصد و چهل و چهار هزار است؛ آنان که همچون لیچ، پیشگویی تصحیح‌شده‌ای درباره اسلام و انقضای یک سلطنت ارائه می‌کنند؛ و همچون اسنو، پطرس نیز پیشگویی تصحیح‌شده‌ای از در بسته ارائه می‌دهد. پیام لیچ درباره وای دوم اسلام، پیشگویی‌ای بیرونی بود، و در بسته اسنو، پیشگویی‌ای درونی بود. برای اسنو، کار از آن هنگام آغاز شد که خداوند دست خویش را از روی ارقام برداشت، و آنگاه دیده شد که همان ادله‌ای که پیش‌تر گمان می‌رفت سال ۱۸۴۳ را ثابت می‌کند، در حقیقت بیست و دوم اکتبر ۱۸۴۴ را ثابت می‌کرد. اما برای لیچ، آن محاسبه‌ای بود که چون تحقق یافت، فرشته مکاشفه یوحنا، باب دهم، را فرود آورد تا بر زمین و دریا بایستد.

این واقعیت که لیچ ده روز پیش از تحقق آن، پیشگویی خود را با محاسبه کرد، نشان می‌دهد که کار تصحیح یک پیشگویی پیشین خود آزمونی است. آیا آغاز در ۱۸۴۰ و انجام در ۱۸۴۴، در حقیقت، نماد نبوی پیشگویی‌ای است که با محاسبه می‌شود تا به فریاد نیمه‌شب حقیقی بدل گردد؟ آیا آلفا و امگای تاریخ میلریتی که با اعلام فریاد نیمه‌شب ختم شد، در واقع، خصایص نبوی فریاد نیمه‌شب حقیقی یکصد و چهل و چهار هزار را نمونه‌وار می‌نمایاند؟

در هر دو دوره اعلان پیشگویی تصحیح‌شده، مناقشه‌ای علیه پیام جنبش میلریتی آشکار شد، زیرا آن پیام مردم را برآشفته می‌کرد. هنگامی که پطرس در قیصریه فیلیپی می‌ایستد، مناقشه‌ای درباره پیامی هست که پیش از قیصریه فیلیپی آغاز شده بود، زیرا همین تحقق تصدیق می‌کند که تنها به کلام پطرس بود که پیام باران نازل می‌شد. قیصریه فیلیپی، به منزله عید ابواق، با فرستادن دو شاگرد از سوی مسیح—که نمایندگان فرشته دوم‌اند—برای ساختن خر اسلام هم‌راستا می‌گردد. رها ساختن خر اسلام آغاز پیام فریاد نیمه‌شب را در اجتماع اردوگاهی اکستر اعلام می‌کند، زیرا ساموئل اسنو—که به جای آن که در روز گشایش حاضر شود، درنگ کرده بود—در سیزدهم اوت، یک روز دیرتر، سوار بر اسب رسید و بدین‌سان پایان زمان درنگ و آغاز پیامی را نشان نهاد که، با پایان یافتن نشست در هفدهم، چون خیزابی عظیم انتشار یافت.

مناقشه تاریخ میلریت‌ها، اتهامات پادشاه اخاب، و مقاومت یهودیان بهانه‌جو هنگام ورود مسیح به اورشلیم، همگی دلالت بر مناقشه‌ای دارند که فرجام خود را در عید شیپورها، آنگاه که الاغ آزاد می‌گردد، می‌یابد. آزاد شدن الاغ تأیید نبوتی است که در آغاز، در قیصریه فیلیپی، و در پایان آن دوره، در قیصریه ماری‌تیم، در بسته‌ای بر ادونتیسیم را مشخص می‌کند. الاغ نماد اسلام وای سوم است که بر ایالات متحده، از جمله نشویل تنسی، ضربه وارد می‌آورد. پیشگویی نافرجام ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ اکنون، چون خداوند دست خویش را برمی‌دارد و مکاشفه عیسی مسیح را از مهر می‌گشاید، به تدریج تصحیح می‌شود. آن مهرگشایی در ژوئیه ۲۰۲۳ در بیابان آغاز شد.

رؤیای باب یازدهم دانیال

عید شیپورها نمایانگر شیپور هفتم است، که همان وای سوم است، یعنی اسلام. شیپور پیامی هشداردهنده و بیرونی درباره جنگ است، اما می‌توان آن را فراخوانی درونی به مجمع مقدس نیز فهم کرد. به منزله محک لیتموس که از هنگام به پایان رسیدن سی روز آزمون هیکل دوم آغاز می‌شود، این هم پیامی بیرونی است و هم درونی. نخستین آزمون بنیادین در بهار ۲۰۲۴، با تصویر بیرونی ضد

مسیح، چنان که در دانیال ۱۱:۱۴ نمایانده شده است، فرا رسید.

و در آن زمان‌ها بسیاری بر ضد پادشاه جنوب برخوانند خاست؛ و نیز غارتگران قوم تو خود را بلند خوانند ساخت تا رؤیا را استوار سازند، اما فرو خواهند افتاد. دانیال ۱۱:۱۴.

آیه پیشین پانیوم را معرفی کرد، و شهادت پانیوم تا آیه پانزدهم ادامه می‌یابد.

زیرا پادشاه شمال بازخواهد گشت و انبوهی بزرگ‌تر از نخستین گرد خواهد آورد، و پس از سالیانی معین، قطعاً با لشکری عظیم و ثروتی بسیار خواهد آمد. دانیال ۱۱:۱۳.

«پادشاه شمال» در آیات ده تا پانزده، قدرت نیابتی پایت است؛ که در آیه ده به وسیله رونالد ریگان نمایندگی شد، هنگامی که دیوار پرده آهنین برداشته شد، چنان که نماد آن فرو ریختن دیوار برلین در ۹ نوامبر ۱۹۸۹ بود. آیه شانزده برچیده شدن دیوار جدایی کلیسا و دولت را در هنگام قانون یکشنبه نشان می‌دهد. آیات یازده و دوازده نمایانگر جنگ اوکراین اند که در سال ۲۰۱۴ آغاز شد، و آیه سیزده، انتخابات ۲۰۲۴ را مشخص می‌کند، آنگاه که ترامپ، هشتمین رئیس‌جمهور از زمان ریگان، که نیز هشتمی است و از آن هفت پیشین می‌باشد، با قدرتی بیشتر "بازمی‌گردد"، زیرا چون بازگردد "لشکری بزرگ‌تر از نخستین را برپا خواهد کرد، و یقیناً پس از سالیانی معین خواهد آمد." "سالیان معین" همان چهار سال جو بایدن‌اند.

پس از سال ۲۰۲۴، مطابق آیه سیزدهم، روم خود را در تاریخ نبوی پانیوم وارد خواهد ساخت. در ۸ مه ۲۰۲۵ نخستین پاپ از سرزمین جلال روحانی برگزیده شد و برای خود نام «لئو» را برگزید، نامی که با خود بسیاری از ویژگی‌های نبوی مهم را به همراه دارد. سپس در آیه پانزدهم، نبرد آغاز می‌گردد.

پس پادشاه شمال خواهد آمد و تلی برخواهد آورد و حصین‌ترین شهرها را خواهد گرفت؛ و قوای جنوب یارای ایستادگی نخواهند داشت، و نه سپاهیان برگزیده او، و هیچ قوتی برای مقاومت نخواهد بود. دانیال ۱۱:۱۵.

نبرد پانیوم در آیه پانزده در می‌گیرد و وحش زمین که دونالد ترامپ نماینده آن است، پادشاهی جنوب را شکست خواهد داد. پادشاه جنوب در آیه یازده جنگی را با اوکراین آغاز کرد؛ همان قدرت نیابتی پایت که به وسیله قدرت نیابتی پایت آیه ده، یعنی ایالات متحده، تأمین مالی و پشتیبانی می‌شد. پادشاه جنوب در نبرد رافیا پیروز خواهد شد، اما در پی آن پیروزی، انحلال تدریجی که همواره با زوال یک پادشاهی ازدهایی جنوب ملازم است، پادشاه جنوب را در موقعیتی به‌غایت آسیب‌پذیر رها می‌کند؛ حال آن‌که پادشاه شمال بازمی‌گردد، نیرومندتر از همیشه، و برای نبرد پانیوم مهیا می‌شود. آنگاه که ایالات متحده در سال ۲۰۱۴ جنگ اوکراین را آغاز کرد، پادشاه جنوب، روسیه و پوتین بودند. در سال ۲۰۲۲ تهاجم آغاز شد و خون به جریان افتاد. در سال ۲۰۲۴ پادشاه شمال بازگشت.

پطرس در قیصریه فیلیپی است، که همان آغاز اعلان پیام فریاد نیمه‌شب است. پطرس، همچون ایلیا و میلریان - به نمایندگی لیچ و اسنو - پیش‌تر پیشگویی‌ای درباره در بسته و اسلام بیان داشته است. تحقق آن تمایز میان پیام‌های باران متأخر راستین و کاذب، و پیام‌آوران راستین و کاذب را مشخص می‌کند. پیام پطرس پیام تصحیح‌شده نشویل و اسلام است، و هنگامی که او در قیصریه فیلیپی ایستاده است، در پانیوم ایستاده است؛ همان نبردی که به قانون یکشنبه آیه شانزدهم منتهی می‌شود. تحقق پیشگویی پطرس آغاز اعلان فریاد نیمه‌شب را مشخص می‌سازد، زمانی که اسلام رها می‌گردد؛ و این نیز، خط بر خط، همان هنگامی است که نبرد پانیوم فرا می‌رسد.

رؤیای دانیال، باب دهم

عید شیپورها نمایانگر هفتمین شیپور است، که همان سومین وای است و آن نیز اسلام است. شیپور، پیامی هشداردهنده است و نیز فراخوانی به محفل مقدس. شیپور همچنین محکی تعیین‌کننده است که از هنگامی آغاز می‌شود که سی روز آزمون هیکل دوم به پایان می‌رسد. نخستین رؤیای بنیادین آزمون‌گر بیرونی ضد مسیح در بهار ۲۰۲۴ ظاهر شد، و دومین رؤیای آزمون‌گر درونی مسیح، چنان‌که در دانیال ۱۰ نمایانده شده است، در ۲۰۲۶ ظاهر شد.

آنگاه چشمان خود را برافراشتم و نگریستم، و اینک مردی که کتان در بر داشت و کمرش به طلای خالص اوفاز بسته بود. بدنش نیز چون زبرجد بود، چهره‌اش همچون برق، چشمانش چون مشعل‌های آتش، بازوان و پاهایش از حیث رنگ مانند مس صیقل‌خورده، و آواز سخنانش همچون صدای جمعیتی بسیار.

و من، دانیال، به تنهایی آن رؤیا را دیدم؛ زیرا مردانی که با من بودند آن رؤیا را ندیدند؛ لیکن لرزه‌ای عظیم بر ایشان افتاد، چندان که گریختند تا پنهان شوند.

از این‌رو من تنها بازماندم و این رؤیای عظیم را دیدم، و قوتی در من باقی نماند؛ زیرا آراستگی‌ام در من به فساد مبدل شد و من دیگر هیچ قوتی را در خود نگاه نداشتم.

لیکن آواز سخنان او را شنیدم؛ و چون آواز سخنان او را شنیدم، آنگاه در خواب گران بر رویم افتادم، و رویم به سوی زمین بود.

و اینک، دستی مرا لمس کرد که مرا بر زانوهایم و بر کف دست‌هایم قرار داد. و به من گفت: ای دانیال، مرد بسیار محبوب، سخنانی را که با تو می‌گویم درک کن و راست بایست، زیرا اکنون نزد تو فرستاده شده‌ام. و چون این سخن را با من گفت، لرزان ایستادم. آنگاه به من گفت: مترس، ای دانیال، زیرا از همان روز نخست که دل خود را بر فهم نهادی و خویشتن را در حضور خدای خویش تذلیل کردی، سخنانت شنیده شد و من به سبب سخنانت آمده‌ام. اما رئیس مملکت پارس بیست و یک روز در برابر من ایستادگی کرد؛ لیکن اینک، میکائیل، یکی از رؤسای نخستین، به یاری من آمد، و من در آنجا نزد پادشاهان پارس بازماندم. اکنون آمده‌ام تا تو را بفهمانم که در ایام آخر بر قوم تو چه خواهد گذشت، زیرا این رؤیا هنوز برای ایامی بسیار است. و چون چنین سخنانی را با من گفت، روی خود را به سوی زمین نهادم و لال شدم.

و اینک، کسی که به شباهت بنی‌آدم بود، لب‌هایم را لمس کرد؛ آنگاه دهانم را گشودم و سخن گفتم و به آن که پیش رویم ایستاده بود، گفتم: ای سرورم، به سبب رؤیا اندوه‌هایم بر من مستولی شده‌اند و هیچ قوتی در من باقی نمانده است. زیرا چگونه می‌تواند خادم این سرور من با این سرور من سخن بگوید؟ زیرا که در من، بی‌درنگ هیچ قوتی باقی نماند و حتی نفسی نیز در من بر جای نمانده است.

آنگاه باز، کسی که به هیئت مردی می‌نمود، آمد و مرا لمس کرد و مرا تقویت کرد و گفت: ای مرد بس محبوب، مترس؛ سلامتی بر تو باد. قوی باش، آری، قوی باش. و چون با من سخن گفت، تقویت یافتم و گفتم: سرورم بفرماید، زیرا مرا تقویت کرده‌ای. دانیال ۵: ۱۰-۱۹.

دانیال در روز بیست‌ودوم، رؤیای کاهن اعظم آسمانی را در ایام آخر می‌بیند. رؤیای استقرار رؤیا به‌دست روم، امتحان بنیادین و آلفای سال ۲۰۲۴ بود، و رؤیای مسیح، امتحان هیکل است. این، جدایی طبقه‌ای را پدید می‌آورد که از دانیال می‌گریزند و پنهان می‌شوند. آن طبقه زیر اکاذیب و اباطیل پنهان می‌شوند و از این رو ضلالت شدید را دریافت می‌کنند.

آنگاه دانیال سه بار لمس می‌شود: نخست به دست جبرئیل، سپس به دست مسیح، و بار سوم باز به دست جبرئیل. در قدس‌الاقداص، هنگامی که دانیال سه بار لمس می‌شود، این رخداد بیانگر تقویت

شدن اوست؛ زیرا از آنجا آغاز می‌شود که او هنگام دیدن رؤیا هیچ قوتی نداشت، اما با سومین لمس، در نهایت قوت می‌یابد. او تقویت می‌شود تا در ایام آخر چه بر قوم خدا واقع خواهد شد. پیام نبوی آنچه در ایام آخر بر قوم خدا واقع می‌شود، همان پیامی است که در مثل ده باکره بیان شده است.

دانیال با بی‌قوتی آغاز می‌کند، زیرا مکاشفه آئینه‌سان مسیح او را بی‌قوت گذاشته بود، اما در پایان سه بار لمس، قوت می‌یابد، و فرمان «قوی باش، بلی، قوی باش» تضاعفی است که فرشته دوم یا آزمون دوم را نشان می‌دهد. آزمون دوم آزمون هیکل است، جایی که قوم خدا تقویت می‌شوند تا پیام فریاد نیمه‌شب را، هنگامی که اجتماع اردوگاهی اکستر پایان می‌یابد، اعلان کنند. آن آزمون، آزمون هیکل است، که در آن سنگی که بنیاد و سنگ زاویه بود، به سنگ رأس شگرف هیکل بدل می‌شود و بدین‌سان تکمیل آن را نشان می‌دهد. دانیال در روز بیست‌ودوم قوت می‌یابد، آنگاه که به ایمان به قدس‌الاقداس داخل می‌شود. در آن هنگام، جبرئیل او را لمس می‌کند، سپس مسیح او را لمس می‌کند و آنگاه جبرئیل بار دیگر او را لمس می‌کند. از این‌رو دانیال تقویت می‌شود تا پیام را در قدس‌الاقداس اعلان کند، جایی که او مسیح را میان دو فرشته می‌بیند، و آن موضع در قدس‌الاقداس که مسیح در میان است، همان کرسی رحمت است، با دو کروی پوشاننده که به سوی تابوت می‌نگرند؛ و تابوت از نور جلال شکینه مسیح، که بر تخت خویش نشسته است، منور می‌گردد. مکاشفه باب دهم دانیال به‌گونه‌ای نبوی ساختار یافته است؛ بدین‌سان که دانیال به جلال مسیح، به منزله شکینه بر تخت کرسی رحمت، می‌نگرد، در حالی که دو کروی پوشاننده به درون تابوت می‌نگرند!

پیش از عید کرناها، ایلیا ادعا می‌کند که پیام باران او یگانه پیام بارانی است که از جانب خداوند است، و پیشگویی‌ای را مطرح می‌کند که با نمایشی به فرجام می‌رسد و ثابت می‌کند فرستاده کیست و کیست نیست، و پیام چيست و چه نیست. سه سال و نیم پیش از کرم، پادشاه آخاب در جست‌وجوی ایلیا بود، زیرا دوره‌ای از مناقشه بر کرم مقدم است. کوه کرم صرفاً سنگ محک است که در آن منش آشکار می‌گردد. همان دوره در تاریخ میلری نیز همان شهادت را در بر داشت؛ زیرا آنان که از آن پیام نفرت داشتند، وفاداران را از کلیساها بیرون راندند، و وفاداران پس از آن پیامی را اعلام کردند که مردم را از میان قوم سابق عهد که سقوط کرده بود و در حال کنار گذاشته شدن بود، فرا می‌خواند.

پطرس در قانون یکشنبه پنطیکاست پیام یوئیل را اعلام می‌کند؛ به این معنا که پطرس همان پیام را اعلام می‌کند آنگاه که دوره فریاد نیمه‌شب در پایان اجتماع اردوگاهی اکستر آغاز می‌شود؛ و این دوره از آن‌گاه آغاز شد که پیشگویی پطرس تصحیح شده بود، همان‌گونه که پیام‌های اسنو و لیچ نیز تصحیح شده بودند. همواره مناقشه‌ای پیشاپیش تحقق پیشگویی پدید می‌آید. بنابراین، مناقشه پیش از تحقق پیشگویی آغاز می‌شود.

پیامی که آخاب، ایزابل و پیامبران او، و یهودیان جدل‌جوی روزگار مسیح، و پروتستان‌های سقوط کرده در تاریخ میلری را به اضطراب می‌اندازد، پطرس آن را کتاب یوئیل می‌خواند. پیش از محک سوم که نشانه‌اش گشودن بند الاغ است، پیام پطرس از سوی ادونتیسیم لاودیکیه‌ای مورد حمله قرار می‌گیرد، و پطرس در برابر این مقاومت چنین پاسخ می‌دهد که پیام‌آوران مست نیستند، بلکه صرفاً تحقق سه باب یوئیل‌اند. سه باب یوئیل با محکومیتی تند علیه ادونتیسیم لاودیکیه‌ای آغاز می‌شود. هنگامی که این پیام به گوش آنان که از نوشیدنی قوی مست‌اند برسد، واکنش نشان خواهند داد. آنان هنگامی که او از کوه فرود می‌آمد و رهسپار اورشلیم بود، با مسیح رویارو شدند، و بار دیگر نیز در اورشلیم با او مقابله کردند.

الاغ را رها می‌کنند، ورود آغاز می‌شود؛ یهودیان خرده‌گیر می‌خواهند پیام خاموش گردد. عیسی به راه خود ادامه می‌دهد، سپس می‌ایستد و بر آخرین روز زمان مهلت ادونتیسیم می‌گیرد. سپس در

اورشلیم، رویارویی دیگری با یهودیانی که می‌خواهند مردم از اعلام پیام بازایستند. چون آن روز آفتاب غروب کرد، زمان مهلت برای قوم یهود به مرحله‌ای دیگر رسید. سیر مقاومت تا مرگ بر صلیب ادامه می‌یابد، و به‌طور جدی با رستاخیز لعازر آغاز شد، که نشانگر فرارسیدن فرشته دوم و زمان درنگ بود.

بیت عنیا آن قدر به اورشلیم نزدیک بود که خبر برخیزانیدن لعازر به‌زودی به شهر رسید. از طریق جاسوسانی که شاهد آن معجزه بودند، سران یهود به‌سرعت از حقایق آگاه شدند. بلافاصله جلسه‌ای از سنهدرین فراخوانده شد تا درباره اینکه چه باید کرد تصمیم بگیرند. مسیح اکنون به‌تمامی سلطه خویش بر مرگ و قبر را آشکار کرده بود. آن معجزه عظیم، برهان قاطع و نهایی‌ای بود که خدا به انسان‌ها عرضه کرد تا نشان دهد پسر خود را برای نجات ایشان به جهان فرستاده است. این، نمایشی از قدرت الهی بود که برای اقناع هر ذهنی که تحت حاکمیت عقل و وجدانی منور باشد، کافی بود. بسیاری از کسانی که زنده شدن لعازر را مشاهده کردند، به عیسی ایمان آوردند. اما کینه کاهنان نسبت به او شدت گرفت. آنان همه ادله کم‌مرتبه‌تر الوهیت او را رد کرده بودند، و این معجزه تازه فقط آنان را خشمگین‌تر ساخت. مرده در روشنای کامل روز و در برابر انبوهی از شاهدان برخیزانیده شده بود. هیچ ترفندی نمی‌توانست چنین گواهی‌ای را توجیه کرده و بی‌اعتبار سازد. دقیقاً به همین سبب عداوت کاهنان مرگبارتر شد. آنان مصمم‌تر از همیشه شدند که به کار مسیح پایان دهند.

صدوقیان، هرچند نسبت به مسیح نظر موافقی نداشتند، به اندازه فریسیان از خباثت نسبت به او آکنده نبودند. کینه‌شان نیز آن‌چنان شدید نبود. اما اکنون به کلی به هراس افتاده بودند. آنان به رستاخیز مردگان ایمان نداشتند. با تمسک به آنچه علم می‌خواندند، استدلال کرده بودند که احیای جسد مرده ناممکن است. اما با چند سخن از مسیح، نظریه‌شان درهم شکسته بود. آشکار شد که هم از کتب مقدس و هم از قدرت خدا بی‌خبرند. هیچ امکانی برای زدودن اثری که آن معجزه بر مردم نهاده بود نمی‌دیدند. چگونه می‌توانستند مردمان را از او که بر گور چیرگی یافته و مرده‌اش را از چنگ آن ربوده بود، برگردانند؟ گزارش‌های دروغین پراکنده شد، اما آن معجزه قابل انکار نبود، و نمی‌دانستند چگونه اثرش را خنثی سازند. تا این هنگام، صدوقیان طرح کشتن مسیح را تشویق نکرده بودند. اما پس از رستاخیز لعازر، به این نتیجه رسیدند که تنها با مرگ او می‌توان نکوهش‌های بی‌باکانه‌اش را بر ضد ایشان متوقف ساخت. اشتیاق اعصار، ۵۳۷.

مرگ لعازر آغاز چهار روزی را نشان داد که عیسی در آن درنگ ورزید. مرگ او نشانگر فرارسیدن فرشته دوم بود، که آغاز زمان درنگ را نشان می‌دهد. رستاخیز او نشانگر رستاخیز دو شاهد در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ است، بیست‌ودو سال پس از ۱۱ سپتامبر. رستاخیز او نشانگر رستاخیز استخوان‌های خشک و مرده حزقیال است. رستاخیز او در آفرینش آدم نمون‌وار شده بود؛ که عبارت بود از درآمیختن انسانیت - که با گل نمایانده می‌شد - با الوهیت - که با دم حیات نمایانده می‌شد.

کاهنان و حاکمان یهود از عیسی نفرت داشتند؛ اما انبوه مردمان برای شنیدن سخنان حکیمانه‌اش و دیدن اعمال قدرتمند او ازدحام می‌کردند. مردم با عمیق‌ترین علاقه برانگیخته شده بودند و مشتاقانه از پی عیسی می‌رفتند تا تعلیمات این معلم شگفت‌انگیز را بشنوند. بسیاری از حاکمان به او ایمان آوردند، اما جرأت نمی‌کردند ایمان خود را اقرار کنند، مبادا از کنیسه بیرون افکنده شوند. کاهنان و مشایخ تصمیم گرفتند کاری نکنند تا توجه مردم را از عیسی برگردانند. آنان بیم داشتند که همه مردم به او ایمان بیاورند. هیچ ایمنی برای خود نمی‌دیدند: یا باید جایگاه خود را از دست بدهند یا عیسی را به قتل برسانند. و حتی پس از آنکه او را به قتل می‌رساندند، هنوز کسانی می‌ماندند که نشانه‌های زنده قدرت او بودند. عیسی لعازر را از مردگان برخیزانده بود، و آنان می‌ترسیدند که اگر عیسی را بکشند، لعازر از قدرت عظیم او شهادت دهد. مردم فوج فوج برای دیدن کسی که از مردگان برخاسته بود می‌آمدند، و حاکمان مصمم شدند لعازر را نیز به قتل برسانند و این هیجان را فروبشانند. آنگاه مردم را به سوی سنت‌ها و تعالیم آدمیان، به پرداخت

دهیکِ نعناع و سذاب، برمی‌گردانند و بار دیگر بر آنان نفوذ می‌یافتند. آنان توافق کردند که عیسی را هنگامی که تنها باشد دستگیر کنند؛ زیرا اگر می‌کوشیدند او را در میان جمعیت بگیرند، آن‌گاه که اذهان مردم همه متوجه او بود، سنگسار می‌شدند. نوشته‌های نخستین، صفحه ۱۶۵.

در ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰، دو شاهد مکاشفه به قتل رسیدند و فرشته دوم و زمان درنگ فرا رسید. در ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳، فرایند دو مرحله‌ای رستاخیز آغاز شد. گام نخست شالوده‌گذاری بود؛ گام دوم، برپاداشتن هیکل بر آن شالوده. کلیسای ادونتیست روز هفتم لاودیکه‌ای از همان هنگام که آن پیام در سال ۱۹۸۹ زاده شد، از آن نفرت داشت و هنوز نیز نفرت می‌ورزد. اکنون که آن شاهدان منفور، که می‌پنداشتند مرده‌اند، بار دیگر زنده‌اند، از آن پیام بیش از پیش نفرت خواهند داشت. آنان درباره پیشگویی ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ با کینه زهرآگینی به مجادله خواهند پرداخت، کینه‌ای که یهودیان نسبت به رستاخیز لعازر داشتند. در تاریخ آزمون هیکل، پطرس با اشاره به کتاب یوئیل به منزله پاسخ همه دروغ‌های آنان، به اتهامات بی‌اساسشان پاسخ خواهد داد.

ما این مطالعه را در مقاله بعدی ادامه خواهیم داد.